

مقاله پژوهشی: رابطه تهدیدها و آسیب‌ها در حوزه امنیت ملی با نگاه به تحریم (بررسی موردی قطع‌نامه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران)

احمد مهربان^۱

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۷/۰۱/۲۶

چکیده

امروزه تهدیدها به سمت تهدیدهای نرم سوق پیدا کرده است. تهدیدهای نرم به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزارانه حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روش‌های خشونت‌آمیز و ... بیش‌ازپیش موردنظر دشمنان انقلاب اسلامی است. آنچه مسلم است در مبحث پیش‌گیری و مقابله با تهدیدات آسیب‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد. در این نوشتار رابطه آسیب و تهدید به‌صورت عام و به‌طور خاص با نگاه به قطع‌نامه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران بررسی گردیده است. در فرآیند این بررسی که باهدف: تبیین رابطه آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت ملی با نگاه به تحریم‌های صورت گرفته علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، بنا به ضرورت در ابتدا به تعاریف و مفاهیم واژه‌های امنیت، تهدید، آسیب و آسیب‌شناسی پرداخته شده است. سپس تاریخچه تحریم‌های استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران در جهت روشن شدن فرآیند این تحریم‌ها و آثاری که هم بر کشور تحریم شونده و هم بر تحریم‌کنندگان داشته و دارد پرداخته است و با توجه به تعاریف و مفاهیم کلیدواژه‌های بحث تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک تهدید خارجی برای کشور و آسیب‌ها زمینه و بستر پیدایش و تأثیر تهدید می‌باشند به بررسی آسیب‌ها و پارادایم‌های مقابله با تهدیدات در این حوزه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تهدید، آسیب، آسیب‌شناسی، امنیت، امنیت اقتصادی، تحریم اقتصادی



۱. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده و مسئول) A.Mehraban@Gmail.com

مقدمه

به‌طورکلی تهدید دارای دو مرحله است؛ مرحله‌ی ذهنی و مرحله‌ی عملیاتی. در مرحله‌ی ذهنی، دشمن یا کشور تهدیدکننده ابتدا نقاط آسیب‌پذیر جامعه‌ی هدف را شناسایی می‌کند، ابزارهایش را می‌شناسد و سپس هدف‌گذاری و سرمایه‌گذاری می‌کند و درنهایت آن را عملیاتی می‌نماید.

تقسیم‌بندی تهدید بر دو بعد ذهنی و عملیاتی، برای پیش‌گیری تهدید است. باید این را بدانیم، برای مقابله با تهدید در کدام مرحله پادزهر را تزریق کنیم. تهدید دارای دو بعد نرم و سخت می‌باشد و تهدید نرم امروزه مؤثرترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین صورت تهدید و درعین‌حال خطرناک‌ترین نوع تهدید است.

امروزه تهدیدها به سمت تهدیدهای نرم سوق پیدا کرده است. تهدیدهای نرم به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزارانه حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روش‌های خشونت‌آمیز و... بیش‌ازپیش موردنظر دشمنان انقلاب اسلامی است. در مبحث پیش‌گیری و مقابله با تهدیدات آسیب‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد.

با رویکردی مصلحانه و نقادانه تهدیدها و آسیب‌هایی که فراروی نظام قرار گرفته و حرکت فزاینده آن را با کندی مواجه می‌نماید موردبررسی و کالبدشکافی قرار گیرد، تا زمینه کنترل آسیب‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم آید. در بحث تهدیدشناسی برای رسیدن هدف مطلوب، اولین مطلبی که دارای اهمیت، تعریف تهدید است.

بنابراین منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که یکی از این روش‌های حیاتی را به مخاطره می‌اندازد. هدف تهدید چیست؟ هر ویروسی یک هدف دارد؛ هدف ویروس تهدید، مختل کردن و درنهایت از بین بردن امنیت یک جامعه و درنهایت نابودی حاکمیت است.

آنچه مسلم است هر سازمانی برای بقای خود نیازمند مصون‌سازی در مقابل تهدیدات و مواردی که موجودیت به خطر می‌اندازد می‌باشد. تهدیدات معمولاً بدون مقدمه شکل نمی‌گیرد و دارای زمینه‌هایی است. امروزه تهدیدها به سمت تهدیدهای نرم سوق پیدا کرده است. تهدیدهای نرم به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزارانه حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روش‌های خشونت‌آمیز و... بیش‌ازپیش موردنظر دشمنان انقلاب اسلامی است. تحریم‌های اقتصادی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد دیگر از جمله سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر است، و مسئله تحریم



اقتصادی نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای استکبار جهانی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یکی از تهدیدات نظام اسلامی است.

تهدیدات مواردی هستند که موجودیت هر نظام را به خطر می‌اندازند و هدف آن ارزش‌های اساسی است که به بقا و موجودیت نظام بستگی دارد. و می‌باید زمینه‌هایی که موجب پیدایش آسیب که بسترساز تهدیدات است و آثار و نتایج آن‌ها مورد رصد و تحلیل قرار گیرد. بنابراین ضرورت دارد ضمن شناخت آسیب‌ها، رابطه آن‌ها با تهدیدات موردبررسی و کالبدشکافی قرار گیرد، تا زمینه کنترل آسیب‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها در جهت مقابله با تهدیدها فراهم آید.

بنابراین تحقیق حاضر باهدف و سؤال زیر انجام شده است

هدف این تحقیق تبیین رابطه آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت ملی با نگاه به تحریم‌های صورت گرفته علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است و سؤال اصلی تحقیق این است که آسیب‌ها و تهدیدهای امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران و رابطه آن‌ها ناشی از ابزار تحریم چیست؟ سؤال فرعی نیز این است که تبعات تحریم جمهوری اسلامی ایران بر تحریم‌کننده چیست؟

مبانی نظری

امنیت: تلاش جوامع سیاسی در طول قرن بیستم و بعدازآن، مبنی بر گسترش وسیع و همه‌جانبه امنیت بوده است. امنیت در کار، امنیت اجتماعی، امنیت در رفت‌وآمد افراد و در این اواخر، امنیت غذایی، پزشکی و حتی امنیت زیست‌محیطی از مواردی است که طی قرن گذشته اهمیت آن در اهداف اصلی سیاسی از درجات مختلفی برخوردار بوده است. (داوید، ۱۳۸۴: ۱-۲).

یکی از مسائل اساسی که مکاتب، نظریات و رویکردهای امنیتی معمول به آن اشاره می‌کنند، (مفهوم‌پردازی^۱) امنیت است. برخی در بیان مفهوم امنیت به بیان تعریف‌های ساده بسنده می‌کنند و برخی دیگر با بررسی عمیق‌تر تلاش کرده‌اند تا به چارچوب یا قالبی برای بیان مفهوم امنیت دست یابند. به‌طور مثال، بوزان^۲ حداقل سیزده تعریف مختلف از امنیت را در ابتدای کتاب خود با نام «مردم؛ دولت‌ها و هراس»، آورده است که هر یک از آن‌ها به دنبال ارائه درکی از امنیت هستند. یکی از اختلاف‌های مهم در مفهوم امنیت، میزان وسعت مفهوم امنیت از جهت بخش‌ها و ابعاد آن است. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۴۹).



1. concept alizarin

2. Barry Buzau

«امنیت»^۱ در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. این مفهوم در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت «امنیت فردی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت ملی» و «امنیت بین‌المللی» به کار برده می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۸).

از دیدگاه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدید و امنیت به وسیله یکدیگر تعریف می‌شوند. امنیت در واقع، نبود تهدید است و باوجود تهدید، امنیت مخدوش بوده و کاهش می‌یابد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴۲).

امنیت ملی در شرایط و فضایی تحقق می‌یابد که یک ملت در آن شرایط می‌تواند ارزش‌های حیاتی خود را حفظ کند و اهداف ملی خود در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تحقق بخشد. تمامیت ارضی، اندیشه و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین حاکمیت و ساختار سیاسی در یک کشور، در ردیف مهم‌ترین ارزش‌های حیاتی یک ملت قرار دارد؛ بنابراین در تعریف اولیه، تهدید؛ عنصر، عامل یا وضعیت‌هایی است که اهداف و ارزش‌های حیاتی مذکور را به خطر اندازد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴۲).

درواقع امنیت باید در برابر مقوله و امری محافظت گردد که از آن با عنوان تهدید یاد می‌شود. (همان، ۴۱) بنابراین برای دستیابی به شناخت مناسبی از مفهوم امنیت باید با مفهوم «تهدید»^۲ آشنا شد.

انواع امنیت:

۱. امنیت سیاسی: هرکس حق دارد در سرنوشت خود که متأثر از سرنوشت جامعه است دخالت کند و هیچ‌کس را نمی‌توان به داشتن باور سیاسی خاصی وادار کرد یا از باور سیاسی خاصی بازداشت.
۲. امنیت قضایی: احترام و التزام به قانون از نخستین شرایط قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است. برنامه‌ریزی‌های درازمدت به‌منظور ایجاد امکان تحول و رشد، تنها درجایی میسر است که قانون، نظم و امنیت، ثبات و امید به آینده و اعتماد متقابل حکم‌فرما باشد. بدیهی است که وجود قوه قضاییه‌ای توانمند و سالم از لوازم اولیه تحقق امنیت قضایی است.



۳. امنیت اداری: منظور از امنیت اداری، امنیت شغلی و امنیت شأن فردی است. امنیت شغلی یعنی این‌که هر کس بتواند کار شایسته‌ای داشته باشد و هیچ‌کس را نتوان از شغل دلخواهی که شایستگی آن را دارد منع کرد، مگر آن‌که در اثر آن اشتغال، ضرر و زبانی به خودش یا به جامعه وارد آید. امنیت شأن فردی، احترام به مقام و منزلت اجتماعی هر فرد است.

۴. امنیت فرهنگی: انسان‌ها زبان، گویش، نژاد، هنر، سلیقه و بینش‌های متفاوت دارند و این تفاوت‌ها و اختلافات به نص صریح قرآن کریم برای شناخت و شناساندن است و تنها امتیاز انسان‌ها در نزد خداوند درجه تقوا و پرهیزگاری آنان است؛ بنابراین باید خاک، خون، آداب، سنن، زبان و مذهب همه افراد جامعه محترم شمرده شود و تا زمانی که سلیقه‌ها و عقیده‌های خاصی موجب زبان دیگری نشده، با مزاحمتی رو به رو نگردد.

۵. امنیت اقتصادی: تعیین سیاست‌های کلی در بخش امنیت اقتصادی جامعه و نهادی نمودن الگوهای عملی رفتار (هنجارها) در این زمینه یکی از حوزه‌های اساسی امنیت و قانون‌گرایی است. امروزه امنیت اقتصادی بیش از گذشته تبدیل به مسائل ظریف و حساس جامعه شده است به طوری‌که اگر قواعد و قوانینی در این زمینه تعیین و وضع نشود، ضمن رواج هرج و مرج و بحران، شاهد از بین رفتن امنیت در این حوزه خواهیم بود که بدون تردید سرمایه، ثروت، تولید و کارآفرینی در جامعه تهدید خواهد شد.

تهدید: در حوزه‌ی تهدید به دودسته گفتمان منفی و گفتمان مثبت وجود دارد. گفتمان منفی، تهدید را به نبود امنیت تعریف می‌کند و امنیت را به نبود تهدید تعریف می‌کند. گفتمان منفی دارای دو موج است؛ موج اول این گفتمان تأکید بر جنبه‌ی نظامی دارد و می‌گوید تهدید یعنی در معرض حمله‌ی نظامی قرار گرفتن یک کشور توسط کشور دیگری و تنها عامل ناامنی را حمله‌ی نظامی می‌داند و اما موج دوم می‌گوید تهدید و عدم امنیت در حمله‌ی نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، علم و فن‌آوری و زیست‌محیطی نیز تهدید وجود دارد.

گفتمان مثبت که جدیدتر از گفتمان منفی است می‌گوید: امنیت و تهدید دو متغیر وابسته نیست و هرکدام را مستقل می‌داند. در این تعریف، فقدان امنیت تنها فاکتور موردنیاز تهدید نیست بلکه علاوه بر آن، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های بیگانه نیز مدنظر است. وقتی جامعه در سطح قابل قبولی برای تحصیل و پاسداری از آرمان‌ها و اخلاقیات و رفتارهای موردقبول



آن جامعه نباشد، هرچند دارای یک تهدید داخلی و خارجی مادی و محسوس نباشد، ممکن است عدم برآوردن نیازهای جامعه و مردم نوعی تهدید باشد.

با در نظر گرفتن این مطالب چنین می‌توان تصور نمود که در صورت بی‌توجهی به تهدیدات آسیب‌های جدی و خطرناکی متوجه یک کشور و یک نظام حکومتی خواهد نمود. تهدید^۱ در لغت معانی مختلف اما نزدیک به هم دارد. فرهنگ لغات آن را به ترساندن، بیم دادن و بیم عقوبت دان معنا کرده‌اند. (عمید: ۱۳۸۲: ۶۴۵).

تهدید از نظر لغوی به معنای ترساندن و در اصطلاح به هرگونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات و امنیت یک سازمان یا کشور را به خطر اندازد گفته می‌شود. «فرهنگ آکسفورد تهدید را این‌گونه تعریف می‌کند: امکان به وحشت انداختن، ترساندن یا انجام فاجعه برای یک فرد یا جامعه، آسیب زدن به کسی یا چیزی، نتایج ناخوش آیند به بار آوردن». (ره پیک ۱۳۸۷، ۱۰۰). مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت: برای دستیابی به مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت، ابتدا به تقسیم‌بندی‌های تهدید پرداخته، سپس ذیل این تقسیم‌بندی‌ها، به تشریح مسئله موردنظر می‌پردازیم.

تهدید دارای دو بعد سخت افزارانه و نرم افزارانه است. در تهدید نرم افزارانه اگرچه ابعاد سخت افزارانه تهدید نفی نمی‌گردد، اما این اصل موردتوجه قرار می‌گیرد که انحصار تهدید در ابعاد سخت افزارانه آن درست نیست؛ به عبارت دیگر تهدید دارای ابعاد ذهنی و روان‌شناختی نیز می‌باشد. از منظر جامعه‌شناسی، تلقی از تهدید به کلی تغییر می‌یابد و شاهد طرح ایده‌ای جدید هستیم که در آن «ذهنیت» اصالت یافته و «جوهره تهدید» را شکل می‌دهد. ذهنیت در این رویکرد «اصالت» دارد و فراتر از یک «بعد» برای تهدید، ایفای نقش می‌نماید. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۹-۹۷).

در مکاتب و رهیافت‌های مختلف امنیت ملی، تهدیدات را از ابعاد و زوایای مختلف موردبحث قرار می‌دهند. در یک تقسیم‌بندی کلی، تهدیدات امنیت ملکی را به لحاظ ماهیت، ابعاد، هدف، موضوع، ابزار و منبع تولید تهدید به دودسته تهدیدات سخت و نرم تقسیم می‌کنند.

برای دستیابی به مفهوم امنیت نرم باید به پردازش آن در ابعاد نرم افزارانه امنیت پرداخت. هر کشوری می‌تواند سه محور را به‌عنوان ارزش‌های حیاتی خود تعریف کند که به مخاطره افتادن آن‌ها به مفهوم از بین رفتن پایه و اساس حاکمیت آن کشور است:



¹. Threat

۱) تمامیت ارضی آن کشور. ۲) ایده‌ها و الگوهای رفتاری جامعه. ۳) حاکمیت مستقر در آن کشور.

امنیت، فراغت بالی است که در پرتو آن آدمی بدون وا همه از تعرض و تهاجم قدرت‌های افراد یا حکومت‌ها به ادامه حیات مدنی توفیق می‌یابد.

انواع تهدیدات: تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برهه زمانی کنونی را می‌توان در قالب دو نوع تهدیدات نظامی و تهدیدات نرم تقسیم‌بندی کرد. اولویت قائل شدن برای هر کدام از این تهدیدات، راهبرد امنیتی متفاوتی را در برابر تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. در صورتی که تهدیدات نظامی در تحلیل‌های امنیتی از اولویت برخوردار باشند، استراتژی امنیتی کشور نیز تحت تأثیر تفکرات و رویکردهای نظامی و سخت‌افزاری قرار خواهد گرفت و به زمینه‌های اجتماعی تهدید علیه امنیت ملی توجه کمتری مبذول خواهد شد.

هدف اصلی دشمن از چنین اقداماتی، تضعیف حاکمیت ایران و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی کشور است؛ به عبارت دیگر ایالات متحده و سایر دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید لفظی بر گفتمان اقدام نظامی علیه ایران، تلاش می‌کنند استراتژی امنیت ملی ایران را به سمت برنامه‌ریزی‌های پرهزینه سوق دهند.

معمول کشورهایی که در منطقه‌ی خاورمیانه قرار دارند از درجه‌ی تهدید بالایی برخوردارند؛ چون هم دارای موقعیت جغرافیایی مهم هستند، هم به لحاظ تاریخی، مکتبی و عقیدتی موقعیت بالایی در جهان دارند.

آسیب: آسیب‌ها در معنای کلی عبارت از ضعف‌ها و کاستی‌های یک سیستم هستند که ممکن است با توسعه و تشدید آن‌ها، خود به تهدید تبدیل شوند یا زمینه‌ساز تهدیدات دیگری باشند. (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷، ۲۳۰).

آسیب‌شناسی: واژه آسیب‌شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «بحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علائم غیرعادی» می‌باشد. (بريجانيان، ۱۳۷۳).

این اصطلاح در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده است. آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات بخش روانی، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی،



تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی تکمیل و تأمین فرایندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد.

- بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد درست و مناسب منع شده است.

مفهوم شناسی: آسیب‌شناسی؛ یعنی شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری که به وجود آمدن و تداوم حیات آن‌ها می‌تواند فرآیند تحقق اهداف هر نظامی (سیستمی) را متوقف و یا به صورت محسوس، کند نماید (بنیانیان، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

رابطه آسیب‌ها و تهدیدات: آسیب به معنای زخم، جراحت و صدمه از حوزه زیست‌شناسی به مباحث اجتماعی و سپس امنیتی وارد شده است معمول آسیب در مقابل تهدید به کار می‌رود و از یک‌جهت به تمایز داخلی یا خارجی بودن این دو توجه می‌شود در این فرض آسیب نقایص و ضعف و مشکلات درونی و ساختاری محیط مفروض را در بر می‌گیرد و تهدید خطرات بیرونی نسبت به محیط است؛ از جهت دیگر آسیب و آسیب‌پذیری یک سیستم از نظر کمی و کیفی در حد یک تهدید جدی تلقی نمی‌گردد؛ بنابراین ممکن است گسترش آسیب‌ها به تهدید امنیتی تبدیل شود (ره پیک، ۱۰۸: ۱۳۸۷).

تهدید علیه امنیت ملی را می‌توان به تهدیدهای خارجی و داخلی تقسیم کرد اما بلافاصله باید یادآور شد که گاهی کشیدن مرز بین تهدیدهای خارجی و تهدیدهای داخلی و تعیین این‌که کدام تهدید دقیقاً داخلی است یا خارجی، کار دشواری است؛ زیرا اغلب این دو تهدید با یکدیگر پیوند دارند. گاهی تهدید داخلی مورد بهره‌برداری خارجی قرار می‌گیرد و از حالت صرفاً داخلی بیرون می‌آید (همچون وابستگی اقتصادی). (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

تهدیدات خارجی با آسیب‌های داخلی رابطه مستقیم دارند یعنی هرچه درجه آسیب یا آسیب‌پذیری بالاتر، باشد احتمال وجود تهدید نیز افزایش می‌یابد. این یک قاعده منطقی است دشمن به نقطه‌ای حمله می‌کند که احتمال ورود خسارت و صدمه در آن نقطه بالا باشد. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

در این رابط می‌توان به مهم‌ترین روش‌های (تهدیدات و آسیب‌های خارجی) به کار گرفته‌شده توسط آمریکایی‌ها جهت تحقق هدف براندازی در ایران اشاره نمود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌انداز:



ایجاد بی‌ثباتی و بحران‌سازی در داخل، دامن زدن به گسست‌های قومی و مذهبی، حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب، تلاش برای ایجاد تفرقه و تشدید اختلافات داخلی، تخریب نیروهای انقلابی، اختلاف و تنش بین جناح‌های سیاسی و قوای سه‌گانه، ایجاد گسست بین حکومت و مردم، تشکیک در مشروعیت نظام، ناامن‌سازی فضای عمومی بر اساس رعب و وحشت، ایجاد هراس دائمی از اقدام نظامی علیه ایران، تخریب چهره کارگزاران دولت و حکومت اسلامی، تضعیف حاکمیت، ایجاد حوادث تروریستی، شکل دادن به نارضایتی در جامعه، ایجاد نابسامانی اقتصادی، القای ناکارآمدی نظام سیاسی در عرصه‌های مختلف؛ تبلیغ بر علیه انقلاب اسلامی، رواج ایران‌هراسی در منطقه و اجرای برنامه‌های تبلیغی بسیار گسترده علیه نظام در سطح بین‌الملل اشاره کرد. هم‌چنین تلاش برای تحریم انتخابات، تحصن، افشاگری‌های کاذب و شایعه‌سازی، رادیکالیزه کردن فضای سیاسی کشور، تشویق به افراط و تفریط در فضای دانشگاه‌ها، دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکل‌های دانش‌جویی، نهادهای غیردولتی و صنعتی نیز از دیگر ابزارهایی است که جهت فشار بر ایران به کار گرفته شده است. (بهمن، ۱۳۸۹: ۲۴۰).

مفهوم تهدید داخلی با آسیب بسیار نزدیک است. آسیب (مانند تهدید) می‌تواند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیستی، امنیتی و... شکل گیرد. (هزارجوبی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۰).

یکی از مهم‌ترین تهدیدات خارجی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بحث تحریم یک کشور توسط کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا است که در اینجا به‌طور اجمال به بررسی تحریم‌های ۳۰ ساله غرب و آمریکا و به‌صورت موردی به بررسی پیامدهای قطع‌نامه اخیر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی قطع‌نامه اخیر):

سابقه تحریم‌های غرب علیه ایران به زمانی برمی‌گردد که نخستین جرقه‌های مبارزه با استیلاطلبی غربی‌ها در میان ایرانیان پدیدار شد. مروری بر تاریخچه تحریم‌های چند دهه اخیر غرب علیه کشورمان، تصویر شفاف‌تری از عمق کینه‌توزی آنان را به نمایش می‌گذارد.

نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم بریتانیا علیه ایران به‌منظور واکنش در برابر انتخاب مصدق به وزارت بود که هدف ملی‌سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. اولین قطع‌نامه شورای امنیت علیه ایران نیز در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق و به‌منزله واکنش علیه ملی‌شدن صنعت نفت ایران صادر شد.



کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در واکنش به تصرف سفارت آمریکا در تهران، طی دستوری به قطع روابط سیاسی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در شامگاه ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ پرداخت. هم‌زمان با قطع روابط سیاسی و بازرگانی ایران و آمریکا، تحریم‌های اقتصادی واشنگتن در برابر تهران نیز آغاز شد که شامل ممنوعیت نفت به جمهوری اسلامی ایران و مسدود شدن تمامی دارایی‌های ایران در بانک‌های ایالات متحده می‌گردید.

امام خمینی (رحمت‌الله علیه) در این رابط طی پیامی به ملت ایران چنین فرمودند: ملت شریف ایران، اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه‌ی بین یک ملت به پا خاسته برای رهایی از چنگال چپاول‌گران بین‌المللی با یک چپاول‌گر عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاول‌گر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم چون که این قطع رابطه، دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران، این طلیعه‌ی پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وارد به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاول‌گری‌ها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه با امثال آمریکا، رابطه‌ی ملت مظلوم با جهان‌خواران است. (بهمن، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

در جریان جنگ تحمیلی، آمریکا تحریم فروش اسلحه علیه ایران را وضع نمود. ناکامی صدام در جنگ و تثبیت پایه‌های انقلاب اسلامی، نگرانی غرب را بیشتر کرد و کابوسی شوم را برای سردمداران کاخ سفید به ارمغان آورد. غرب در برابر طوفان انقلاب ایران چاره‌ای جز تشدید تحریم‌ها نداشت؛ از این رو در سال ۱۹۸۷ به دنبال اتهام واهی و تکراری «حمایت از تروریسم»، رونالد ریگان تحریم‌های کامل تری علیه ایران وضع نمود.

این روند به روالی ثابت برای سیاست‌مداران آمریکایی مبدل شد. در سال ۱۹۹۵ میلادی، واشنگتن، نخست به دستور بیل کلینتون تحریم‌های کامل اقتصادی علیه ایران وضع نمود، و سپس کنگره آمریکا با گذراندن قانون ایلسا^۱ هر شرکتی را که با ایران به میزان بیش از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشت را نیز تهدید به اعمال تحریم کرد.

علاوه بر تحریم‌های مستقیم، ایالات متحده در سال ۱۹۹۶، به تصویب قانونی پرداخت که مطابق با آن، فشارهای چندجانبه لایه‌ای علیه کشورهایی که با ایران به دادوستد می‌پرداختند، اعمال می‌شد. بر اساس این قانون، تحریم‌های ثانویه علیه کشورها و نهادهایی انجام می‌گرفت که از ایران

1. Iran and Libya Sanctions Act of 1996



حمایت تکنولوژیک و اقتصادی به عمل می‌آوردند. در این زمان، دولت و کنگره‌ی آمریکا معتقد بودند که با قطع حمایت شرکت‌های غربی از ایران و ایجاد محدودیت برای ارتقا و بهبود صنایع نفتی، دولت ایران دچار مشکلات اقتصادی شدیدی خواهد شد و بر اساس آن، زمینه‌ی تغییر در رفتار ایران فراهم می‌گردد. (بهمن، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

طی چند سال اخیر به‌ویژه طی دو سال گذشته بخشی از آن به‌طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا نبوده است. همین موضوع (کاهش قدرت نرم آمریکا به‌تبع افزایش قابلیت‌های نرم‌افزاری جمهوری اسلامی در منطقه و جهان) باعث گردیده که آمریکا به‌زعم خود تلاش نماید از تمامی امکانات خود برای کاهش قدرت و نفوذ ایران بهره‌برداری نماید که به خواست خدا تاکنون قرین موفقیت نبوده و جواب معکوس داده است. اگر عناصر اصلی تشکیل‌دهنده قدرت نرم هر کشوری را مجموعه‌ای از عناصر زیر برشماریم، آنگاه بهتر می‌توان به بررسی تطبیقی قدرت نرم جمهوری اسلامی در برابر تهدیدات آمریکا پرداخت.

از سوی دیگر هدف تهاجم قرار گرفتن برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط فوق را تحت تأثیر قرار داد؛ به‌نحوی که جمهوری اسلامی ایران از سوی کاخ سفید در فهرست (محور شرارت) قرار گرفت و به همراه عراق و کره شمالی، ضلع سوم کشورهای شرور را تشکیل داد.

در این راستا ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را در پی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و بر هم زنده‌ی صلح و ثبات بین‌المللی معرفی نمود و تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیت‌های هسته‌ای و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت به کار گرفت. هم‌چنین آمریکا به تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پرداخت و سعی کرد با ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی را منزوی سازد. باین‌حال علی‌رغم آنکه ایران به‌طور مستمر با تحریم‌ها و اقدام‌های قهرآمیز آمریکا مواجه بوده است، نه‌تنها در صحنه بین‌المللی منزوی نشده، بلکه با گرایش به کشورهای جنوب شرقی آسیا کشورهای مشترک‌المنافع، خاورمیانه و اتحادیه اروپا، سعی کرده قطع وابستگی به ایالات متحده‌ی آمریکا را نیز فراهم آورد. بر این اساس علاوه بر مقاومت و ایستادگی مردم ایران، که مهم‌ترین دلیل بر بی‌حاصل بودن تحریم‌ها به شمار می‌آید، اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ایران، نادیده انگاشتن تحریم‌ها از



سوی متحدان و رقبای آمریکا، ضرر مالی بخش‌های اقتصادی آمریکا از عدم رابطه با ایران و از همه مهم‌تر بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی ایران به تحریم‌های اعمال‌شده از سوی ایالات متحده، تا حد زیادی موجب از میان رفتن اثربخشی تحریم‌ها شده است.

به‌علاوه عدم رابطه با آمریکا نه تنها موجب انزوای بین‌المللی و مهار انقلاب اسلامی ایران نشده است، بلکه دستاوردهای بزرگی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشته است. نخستین دستاورد، استقلال و عدم وابستگی اقتصادی به ایالات متحده است که وضعیت حاضر را در موقعیت معکوس با اوضاع پیش از انقلاب قرار داده است. دومین دستاورد مهمی که از عدم رابطه با ایالات متحده آمریکا نصیب ایرانیان شد، اتکا به خود و ساخت بسیاری از اقلام مصرفی در داخل کشور بود که پیش از آن خارج وارد می‌شد. در مواقع محاصره اقتصادی و تحریم‌های متعدد، ملت ایران را مستعد و مبتکر ساخت و از قدرت‌های جهانی بی‌نیاز کرد. در سال‌های بعد دایره تحریم‌ها گسترده شده و در سال ۲۰۰۲، مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک^۱ تحریم علمی علیه ایران وضع نمود. سرانجام در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ وزارت خزانهداری آمریکا لیستی از شرکت‌های تحریم شده ایرانی را اعلام نمود. با مروری بر آنچه در ۳ دهه اخیر با دیپلماسی خشونت‌بار آمریکا و در لباس تحریم بر کشورمان رفته است، درمی‌یابیم که صدور قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل نه تنها نشانگر رویداد جدیدی نیست، بلکه از تداوم مسیر استقلال‌طلبانه نظام اسلامی حکایت دارد.

صدور قطع‌نامه اخیر شورای امنیت در ۲۰ خردادماه سال جاری به دلایلی چون، غیر اجماعی بودن و نیز حاکم بودن دیدگاه رژیم اشغالگر قدس بر آن، غرب را با هزینه‌های بسیاری روبرو ساخت. از جمله آن‌که این قطع‌نامه در شرایطی صادر شد که «بیانیه تهران» بر روی میز ایران قرار داشت. بیانیه‌ای که در ابتدا با استقبال غربی‌ها مواجه شده بود؛ بنابراین صدور تحریم‌های جدید غرب، گزینه «مبادله سوخت» را به مثابه تنها گزینه روی میز غرب از بین برد و این مسئله خسارتی بزرگ را برای غرب رقم زد. از سوی دیگر بسیاری از کارشناسان معتقدند این قطع‌نامه هیچ کارکرد مفیدی ندارد. چراکه به دلیل اجماعی نبودنش کارکرد عملیاتی روانی و اطلاع‌رسانی ندارد، به دلیل محتوای ضعیفش کارکرد مجازات ندارد و از همه مهم‌تر آن‌که آمریکا را در باورپذیری افکار



عمومی نسبت به شعار تغییر رئیس‌جمهورش دچار مشکلات جدی می‌کند، چراکه اکنون میان «ادبیات تهدید گونه بوش» و «سیاست‌های اجرایی اوباما» تفاوت فاحشی وجود ندارد. پس از صدور قطع‌نامه شورای امنیت که به‌وضوح از حاکم بودن دیدگاه افراطی رژیم اشغالگر قدس به کاخ سفید خبر می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران با صدور پاسخی افشاگرانه و قاطع، چالش‌های گریبان‌گیر غرب را شدت بخشید. در این بیانیه با اشاره به تضاد رفتار و گفتار غرب در خصوص گزارش چند روز قبل مدیرکل آژانس و نیز موضع غرب در قبال بیانیه تهران آمده است.

موضوع قطع‌نامه برخلاف انتظار جامعه جهانی درباره فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اتهاماتی واهی است که نه‌تنها هیچ‌گاه ثابت نشده بلکه در آخرین گزارش مدیرکل آژانس که تنها یک روز قبل از قطع‌نامه منتشر شد، برای بیست و دومین بار به‌صراحت تأکید شد که این فعالیت‌ها هیچ‌گونه انحرافی از اهداف صلح‌آمیز نداشته است.

صادرکنندگان قطع‌نامه خود را در حالی در معرض قضاوت جامعه جهانی قرار دادند که جهان کمتر از یک ماه قبل از صدور قطع‌نامه شاهد بیانیه تهران بود که در آن به‌صراحت بر همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و اجتناب از مقابله با حقوق ملت‌ها تأکید شده بود. ایالات متحده آمریکا درحالی‌که ترکیه و برزیل را برای تعامل با تهران تشویق می‌کرد، یک ماه پس از صدور بیانیه تهران و استقبال جهانی از آن‌که در بیانیه ۱۲۰ کشور عضو جنبش عدم تعهد تبلور یافت، به مقابله با آن برخاست.

در ادامه پاسخ ایران به قطع‌نامه سیاسی شورای امنیت سازمان ملل متحد فهرستی از تناقض‌گویی‌های غرب و سیاست‌های محفلی لابی‌های صهیونیستی ارائه شده و بر بی‌اعتباری حکمیت شورای امنیت تأکید شده است.

در حقیقت صدور این قطع‌نامه فرصت‌ذی‌قیمتی را در اختیار جمهوری اسلامی نهاد تا بار دیگر با مخاطب ساختن افکار عمومی دنیا بر طبل رسوایی دولت‌های استکباری بدمد. حاصل آن‌که در واکنش‌های ایران پیام‌های بسیاری به دنیا عرضه شد. از آن جمله؛ بی‌اعتبار اعلام کردن شورای امنیت سازمان ملل متحد، عدم همراهی جامعه جهانی بااراده برخی قدرت‌ها که در بیانیه جنبش عدم تعهد به نمایندگی از دوسوم کشورهای جهان مشهود شد، شروع دوران جدیدی از مناسبات جهانی برای تأمین حقوق ملت‌ها و درنهایت پایان هژمون‌گرایی آمریکا بود.



پاد استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال گزینه تحریم امریکا:

۱. آسیب‌شناسی دورنمای عمق و دامنه تحریم‌ها و تأثیر آن بر توانمندی‌های دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران: واشنگتن در پنج قطع‌نامه زنجیره‌ای شورای امنیت ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ خواستار تمکین جمهوری اسلامی ایران به تعلیق غنی‌سازی اورانیوم (توقف توسعه دانش هسته‌ای بومی و رشد نرم‌افزاری جنبش تولید علم)، تصویب پروتکل الحاقی (افزایش قابل توجه بعد، دامنه و حوزه مسئولیت بازرسان آژانس و افزایش احتمال خروج اطلاعات طبقه‌بندی‌شده) و تقویت نظارت، کنترل و بازرسی از صنایع موشکی (احتمال خروج اطلاعات محرمانه دستاوردهای موشکی) شده است و با اتهام عدم تمکین جمهوری اسلامی ایران به قطع‌نامه‌های لازم‌الاجرای فصل هفتم منشور ملل متحد یا عدم پاسخ‌گویی شفاف ایران به بسته پیشنهادی گروه ۵+۱، تلاش می‌کند دامنه تحریم را در چارچوب سیاست مهار، بازدارندگی و انزواسازی جمهوری اسلامی ایران افزایش دهد.

۲. حداکثر انسجام فکری - رویه‌ای در مدیریت کلان: با محاسبه هزینه - فایده، شناسایی دقیق بازیگران تأثیرگذار، قواعد بازی و همچنین سناریوسازی از رویکرد امنیت ملی به حداکثر سازی انسجام فکری رویه‌ای برای هم‌پوشانی اولویت‌ها، سیاست‌ها و اهداف راهبردی دیپلماسی پارلمانی (مجلس شورای اسلامی)، سیاست‌گذاری خارجی (وزارت امور خارجه).

۳. آسیب‌شناسی رویه شدن صدور قطع‌نامه‌های زنجیره‌ای از رویکرد امنیت ملی. طبیعی است هر میزان بر دامنه صدور قطع‌نامه‌های پلکانی افزوده شود به همان میزان بر دامنه مطالبات افزوده می‌شود که خود می‌تواند ضمن کاهش قدرت مانور دیپلماسی هسته‌ای، حوزه‌های موضوعی جدیدی را نیز در مذاکرات دیپلماتیک با گروه ۵+۱ ایجاد کند.

۴. کاربست مناسب ظرفیت‌های پارلمان در مدیریت کلان: توصیه می‌شود متولیان دیپلماسی پارلمانی در جهت حداکثر بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام و مهار آسیب‌های احتمالی گزینه تحریم، اقدام‌های زیر را موردتوجه قرار دهند: -

- تشکیل کمیته پارلمانی مقابله با آسیب‌های احتمالی گسترش عمق و دامنه تحریم‌ها و تأثیر آن بر ردیف‌های بودجه،

- ضرایب امنیتی،

- طرح‌ها و لوایح مصوب و پیشنهادی مجلس و دولت از جمله طرح تحول اقتصادی.

۵. به چالش کشاندن مشروعیت حقوقی تحریم: جلوگیری از رویه شدن تصویب قطع‌نامه‌های زنجیره‌ای، مستلزم بهره‌وری بهینه از تمام ظرفیت‌های سیاسی و حقوقی است به عبارتی در به چالش کشاندن مشروعیت گزینه تحریم؛ نقش کارشناسان حقوق بین‌الملل هم‌ردیف کارگزاران سیاسی برجسته می‌شود.



به‌عنوان مثال به‌کارگیری وکلای برجسته حقوق بین‌الملل و آشنا به ساختار، قواعد و عرف حقوقی اتحادیه اروپا نقش مهمی را در به چالش کشاندن مشروعیت برخی از اقدام‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تحریم برخی از شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی ایفا می‌کند.

۶. بهره‌برداری مناسب از گسست‌های اقتصادی میان آمریکا و متحدانش یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری ائتلاف‌ها تضمین حداکثری منافع و امنیت ملی است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران شایسته است با تمرکز بر حوزه‌هایی که ائتلاف اتحادیه اروپا و آمریکا بر آن‌ها بیش‌تر است و همچنین افزایش رایزنی با دولت‌های اروپایی که خواهان حاکمیت «رویکرد چندجانبه‌گرایی» هستند، زمینه‌های شکل‌گیری انسجام فکری - رویه‌ای فرا‌آتلانتیک میان آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه دیپلماسی تحریم را کم‌رنگ نماید. به‌عنوان مثال تضمین امنیت عرضه انرژی به‌ویژه پس از گسترش تنش‌های امنیتی میان روسیه با غرب به یکی از دغدغه‌های بازیگران فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. به همین دلیل گسترش دامنه تحریم‌ها به بخش انرژی همواره با مخالفت‌های جدی از سوی اتحادیه اروپا مواجه شده است. انعقاد قراردادهای نفتی میان شرکت ملی نفت ایران، گازپروم روسیه و یا تمایل مجدد توتال فرانسه و اینپکس ژاپن برای سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی ایران مانند توسعه میدان نفتی آزادگان بیانگر حساسیت کشورهای اروپایی در قبال تحریم انرژی است، به عبارتی متولیان امر شایسته است با مانور دیپلماتیک بر حوزه‌هایی که حساسیت متحدان ایالات‌متحده بر روی آن‌ها بیش‌تر است زمینه‌های کاهش فشار بر سایر حوزه‌ها را فراهم کنند.

۷. آکاوای نقش و جایگاه مراکز مطالعاتی پیرو گزینه تحریم: در ایالات‌متحده مراکز پژوهشی نزدیک به ساختار قدرت، نقش مهمی را در جهت‌گیری کلان سیاست خارجی و امنیتی واشنگتن ایفا می‌کنند به همین دلیل هر میزان متولیان دیپلماسی ج.ا. ایران شناخت کامل‌تری از پارادایم‌های حاکم بر مراکز مطالعاتی موافق تحریم در ج.ا. ایران داشته باشند به همان میزان با ضریب خطای کمتری می‌توانند اقدام‌های بازدارنده مناسب را عملیاتی نمایند. در این راستا جفری کمپ، ری تاکیه، پاتریک کلاوسون، گری سیک، دیوید کی و کنث ام. پالک برخی از مهم‌ترین پژوهشگران موافق گزینه تحریم برای مهار ایران هسته‌ای مقتدر در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه هستند.

جفری کمپ: وی مطلوب‌ترین ابزار مهار ایران هسته‌ای را اتخاذ تحریم چندجانبه می‌داند که در آن چهار بازیگر روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و چین حضور داشته باشند؛ زیرا به سرشکن شدن هزینه‌های مادی و معنوی واشنگتن منجر می‌شود، به‌ویژه اینکه روسیه تنها کشور عضو باشگاه هسته‌ای است که در فرایند تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال میله‌های سوخت هسته‌ای



مشارکت دارد و احتمال ارسال سامانه‌های دفاع هوایی اس ۳۰۰ به جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌نماید.

پاتریک کلاوسون: «معاون پژوهشی موسسه واشنگتن در امور خاور نزدیک»، کارشناسان ارشد فصل‌نامه خاورمیانه و نویسنده کتاب ارزیابی موفقیت و موقعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران در دوره محمد خاتمی، معتقد است آمریکا همسو با افزایش دامنه تحریم‌ها بایستی حمایت از کلاوسون مذاکره هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران را به دلایل زیر مفید نمی‌داند:

- انعکاس منفی آن در دولت‌های میانه‌روی عرب متحد آمریکا در منطقه و مغایرت با اهداف اعلانی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ.

- ایجاد این تصور در هیئت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که هرگونه نزدیکی به تولید تسلیحات هسته‌ای، قدرت مانور و چانه‌زنی آنان در مذاکرات را افزایش می‌دهد. با این وجود کلاوسون معتقد است هرگونه مذاکره مستقیم هسته‌ای میان واشنگتن و تهران باید در چارچوب «توافق همه‌جانبه» بر چهار موضوع عراق، صلح خاورمیانه، موضوع هسته‌ای و حقوق بشر متمرکز شود.

پاتریک کلاوسون، تحریم‌های شورای امنیت را برای توقف برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ناکارآمد می‌داند و معتقد به جایگزینی گزینه‌های امنیتی به جای گزینه‌های اقتصادی با بهره‌برداری از دو تاکتیک «انزوا سازی» و «مهار و بازدارندگی» است.

گری سیک: مشاور عالی سابق شورای عالی امنیت ملی آمریکا معتقد است مهم‌ترین راه‌کار مؤثر برای مهار فعالیت‌های هسته‌ای ایران و توقف فرایند غنی‌سازی، ایجاد نارضایتی عمومی در داخل از طریق تصویب تحریم‌های درازمدت، مرحله‌ای و پلکانی است؛ زیرا تحریم‌ها و فشارهای شدید مقطعی باعث تقویت وحدت ملی و بسیج افکار عمومی علیه آمریکا می‌شود؛ درحالی‌که تصویب تحریم‌های هوشمند و مرحله‌ای می‌تواند باعث ناکارآمدی دولت، کاهش مشروعیت و محبوبیت پایگاه مردمی آن گردد.

دیوید کی: او معتقد است برای افزایش فشار چندجانبه به جمهوری اسلامی ایران باید بدانیم چگونه از اتحادیه اروپا به نفع خود بهره‌برداری کنیم؛ ولی مشکل این است که آنان خواهان «تحریم چندجانبه» از طریق شورای امنیت می‌باشند، درحالی‌که چین و روسیه در بسیاری از مواقع



سرعت فرایند تصمیم‌گیری را کند می‌کنند، در نتیجه آمریکا باید به‌منظور انزوای مؤثر ایران، گزینه اعمال تحریم‌های اثباتی و هوشمند خارج از چارچوب شورای امنیت را پیگیری کند. **کنث ام. پالک:** او معتقد است که «پاشنه آشیل» و نقطه‌ضعف ایران در اقتصاد نهفته است که در حد مطلوب نمی‌باشد. اولین اثر اقتصادی بر توده مردم این است که می‌تواند به شورش‌های داخلی منجر شود؛ بنابراین رژیم ایران تنها با انتخاب یکی از دو گزینه زیر مواجه است:

- از برنامه‌های اتمی خود منصرف شود و در عوض از «مشوق‌های اقتصادی» بهره‌مند گردد،
- به فعالیت‌های اتمی خود ادامه داده و در عوض آسیب‌های گسترش عمق و دامنه تحریم‌های همه‌جانبه را بپذیرد.

پالک عقیده دارد هنگامی که فشار سیاسی افزایش یابد، جمهوری اسلامی ایران برنامه‌های غنی‌سازی را متوقف می‌نماید. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ هنگامی که بازرسان آژانس اتمی اولین گزارش منفی خود را ارائه دادند و اروپا تهدید به تحریم اقتصادی کرد، ما شاهد پذیرش پروتکل الحاقی از طرف ایران بودیم که بیانگر حساسیت و آسیب‌پذیری این کشور به تحریم اقتصادی است.

۸. آسیب‌شناسی چشم‌انداز عمق و دامنه تحریم‌ها و تأثیر آن بر اولویت‌های دیپلماسی دفاعی: تحقق اهداف راهبردی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط مستقیمی به توسعه قابلیت‌های فنی حرفه‌ای نیروهای مسلح دارد و گسترش احتمالی عمق و دامنه تحریم‌های نظامی - تحقیقاتی می‌تواند موانعی را برای ارتقاء شاخصه‌های دفاع ملی ایجاد کند، به‌ویژه اینکه به دلیل انعکاس تصاویر مجازی و افزایش حجم عملیات روانی - رسانه‌ای غرب علیه دانش هسته‌ای و صنعت موشکی جمهوری اسلامی ایران؛ احتمال گسترش تحریم‌های نظامی علیه برخی ساختارها، شرکت‌ها و افراد وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران وجود دارد.

از مصادیق تحریم‌های نظامی یک‌جانبه ایالات‌متحده می‌توان به تحریم مجموعه صنایع شهید ستاری، صنایع شیمی پارچین، هفت‌تیر، گروه صنایع مهمات و متالورژی، سازمان صنایع هوافضا، گروه صنعتی شهید باقری و گروه صنعتی شهید همت را نام برد که به اتهام «تحقیقات نظامی هسته‌ای» تحریم‌هایی علیه آنان و شرکت‌هایی که با آنها فعالیت‌های تجاری دارند، اعمال شده است.



همچنین برای اولین بار، ایالات متحده با ایجاد یک رویه جدید توانست مطالعات ادعایی خود پیرامون صنعت موشکی و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران را در متن گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ مدیرکل آژانس (بند ۳۵ تا ۴۲) با عنوان «مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن» بگنجانند، به عبارتی بررسی گزارش‌های مدیرکل آژانس بیانگر تلاش غرب برای ارتباط دهی میان دانش هسته‌ای و نهادهای نظامی است که در صورت عدم سازمان‌دهی اقدام‌های بازدارنده مناسب، نه تنها بازدارندگی بومی را کاهش می‌دهد بلکه می‌تواند زمینه‌های خروج احتمالی برخی «اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده نظامی» را فراهم کند.

روش‌شناسی

این تحقیق از نوع کاربردی است و روش تحقیق از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد و مدارک مرتبط و در دسترس که با ابزار فیش‌برداری گردآوری انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحلیل محتوای کیفی می‌باشد که از طریق بررسی هر یک از موارد تحریم و معین کردن آسیب‌هایی که به همراه داشته‌اند، تحلیل انجام و رابطه تهدیدها با آسیب‌ها تبیین شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

پاسخ سؤال اصلی: آسیب‌ها و تهدیدهای امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران و رابطه آن‌ها ناشی از ابزار تحریم چیست؟

مباحث مطرح شده در مورد مفاهیم و تعاریف آسیب و تهدید نشانگر این است که بین این دو رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد. آسیب‌ها زمینه و بستر ایجاد و یا تشدید تهدیدها می‌باشند. نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت است این است که آسیب‌ها داخلی می‌باشند، ولی تهدیدها هم داخلی و هم خارجی‌اند. آنچه مسلم است تهدیدها زمانی مؤثر واقع می‌شوند که آسیب‌پذیری داخلی وجود داشته باشد.

تعیین سیاست‌های کلّی در بخش امنیت اقتصادی جامعه و نهادینه نمودن الگوهای عملی رفتار (هنجارها) در این زمینه یکی از حوزه‌های اساسی امنیت و قانون‌گرایی است. امروزه امنیت اقتصادی بیش از گذشته تبدیل به مسائل ظریف و حساس جامعه شده است به طوری که اگر قواعد و قوانینی در این زمینه تعیین و وضع نشود، ضمن رواج هرج و مرج و بحران، شاهد از بین رفتن



امنیت در این حوزه خواهیم بود که بدون تردید سرمایه، ثروت، تولید و کارآفرینی در جامعه تهدید خواهد شد.

تحریم‌های صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر و از جمله قطع‌نامه تحریم جدید که علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است با توجه به مفاهیم ذکرشده یک تهدید خارجی است و میزان تأثیرگذاری آن بر وضعیت‌های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی و نظامی امنیتی به آسیب‌پذیری‌های داخلی بستگی دارد.

در صورتی که آسیب‌پذیری‌های داخلی بر طرف یا کنترل شوند قابلیت مقابله با تهدیدها از جمله قطع‌نامه تحریم اخیر میسر می‌گردد.

در خصوص صدور قطع‌نامه اخیر شورای امنیت می‌توان نتایج زیر را پیش‌بینی نمود: به‌طور کلی این قطع‌نامه اثبات نمود:

الف: شورای امنیت نمی‌تواند مرجع مناسبی برای تأمین امنیت و حقوق ملت‌ها باشد و نشان داد مادامی که ایالات متحده آمریکا رسماً خود را متعهد به امنیت رژیم صهیونیستی و حمایت از جنایات آنان می‌داند شورای امنیت قطع‌نامه‌ای در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر نخواهد کرد.

ب: ایالات متحده آمریکا امروز بیش از همیشه با بی‌اعتباری و بحران اعتماد در جهان روبروست و شعار تغییر نیز نتوانست اعتبار ازدست‌رفته دولت آمریکا را برگرداند. جامعه جهانی به‌روشنی شاهد بود رئیس‌جمهور این کشور مانند گذشتگان خویش حاضر است با دروغ از اعتبار کشورهای دیگر هزینه کند. اظهارات رئیس‌جمهور محترم برزیل و نخست‌وزیر محترم ترکیه در تبیین رفتار غیر صادقانه رئیس‌جمهور آمریکا امروز در معرض قضاوت جامعه جهانی است.

ج: دولت ایالات متحده آمریکا به‌عنوان مجرم اصلی استفاده از سلاح هسته‌ای و تکثیر و تولید و آزمایش آن، بزرگ‌ترین تهدید جامعه جهانی است که این تهدید بیش از همه متوجه امنیت شهروندان آن کشور است. رژیمی که قادر به مهار یک چاه نفت نیست چگونه می‌تواند اعتماد جامعه جهانی را برای مهار زرادخانه‌های هسته‌ای خود که امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد، فراهم سازد؟

د: دولت آمریکا برای انحراف افکار عمومی از تهدیدهای واقعی که حاصل سیاست‌های غلط این رژیم در انباشت سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از تروریسم دولتی است، سعی دارد با ساخت تهدیدهای فرضی و دروغین، توجه جامعه جهانی را از تهدیدهای واقعی منحرف نماید.

ه: برخی دولت‌های انحصارطلب، درصدد هستند سایر ملت‌ها را از فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای و داشتن چرخه سوخت که از مصادیق بارز «حق توسعه»، «حق ملت‌ها نسبت به منابع طبیعی» و «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» است، محروم سازند.



بررسی مقایسه‌ای نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با توجه به شاخص‌های برشمرده دارای قابلیت‌های بسیاری در مقابله با تهدیدات امریکا به‌خصوص تحریم‌ها اعمال شده است. این مسئله باعث گردیده که طی چند سال اخیر، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به نحوی رقم بخورد که برتری جمهوری اسلامی در مقابل توان و سازوکارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امریکا به رخ کشیده شود. این موضوع به دفعات توسط مقامات و مؤسسات آمریکایی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و به این مسئله اعتراف گردیده است. بنابراین جمهوری اسلامی جدای از توان مقابله با تهدیدات سخت و نرم امریکا، از این قابلیت برخوردار است که به‌عنوان تهدیدی علیه امریکا مطرح گردد. در اساس ماهیت انقلاب اسلامی ویژگی‌های منحصر به فردی را دارا است که باعث کارایی هرچه بیشتر آن در برابر تهدیداتی از این دست می‌گردد.

تحریم در بعد اقتصادی یک تهدید می‌باشد ولی این تحریم زمانی تأثیر بالایی بر اقتصاد کشور دارد که آسیب‌های زیر وجود داشته باشد:

وابستگی بودجه به درآمد نفتی که با کاهش قیمت خرید نفت و یا کاهش در میزان فروش بودجه کشور تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

تراز منفی صادرات که این خود به علت نیاز به واردات بیشتر زمینه‌ای برای تأثیر تهدید می‌باشد.

وابستگی صنایع مادر به واردات ۴- نرخ بالای تورم و بی‌کاری.

با توجه به موارد ذکر شده و اینکه آسیب‌ها بستر پیدایش تهدیدها می‌توانند باشند آسیب‌شناسی و رفع آسیب مهم‌ترین موضوع مقابله با تهدید و در نهایت ایجاد و حفظ امنیت است.

پاسخ سؤال فرعی: تبعات تحریم جمهوری اسلامی ایران بر تحریم‌کننده چیست؟

آنچه مسلم است گسترش عمق و دامنه تحریم‌ها می‌تواند به حاکمیت بازی با حاصل جمع جبری منفی (بازی باخت - باخت) منجر شود، یعنی همان‌طور که می‌تواند کاستی‌هایی را برای توسعه پایدار کشور مورد تحریم تحمیل نماید، به‌صورت متقابل هزینه‌هایی را نیز به کشور تحریم‌کننده وارد می‌کند که از مصادیق آن می‌توان به انصراف امریکا از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران برای ترانزیت انرژی به اروپا و پافشاری بر انتقال انرژی از خط لوله باکو-تفلیس - جیحان اشاره کرد که هزینه‌های دستیابی به انرژی مطمئن و پایدار برای اتحادیه اروپا را به شدت افزایش داده است.



علی‌رغم آن‌که ایالات‌متحده آمریکا سعی نموده با استفاده از ابزارها و روش‌های سخت‌نظیر تحریم، جمهوری اسلامی را مهار نماید، باین‌حال می‌توان چنین اذعان داشت که بیش از آنکه انقلاب اسلامی از تحریم‌های آمریکا آسیب‌دیده باشد، ایالات‌متحده از قطع رابطه سیاسی و بازرگانی متضرر گشته است. چراکه از یک‌سو سرمایه‌گذاری در ایران و سودهای حاصل از آن از دست داده و از سوی دیگر توان و انرژی اقتصادی بی‌شماری را به شکلی بی‌حاصل، صرف مبارزه با انقلاب اسلامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی کرده است.

دولت و کنگره آمریکا معتقد بودند که با قطع حمایت شرکت‌های غربی از ایران و ایجاد محدودیت برای ارتقا و بهبود صنایع نفتی، دولت ایران دچار مشکلات اقتصادی شدیدی خواهد شد و بر اساس آن، زمینه‌ی تغییر در رفتار ایران فراهم می‌گردد..

طی چند سال اخیر به‌ویژه طی دو سال گذشته بخشی از آن به‌طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا نبوده است. همین موضوع (کاهش قدرت نرم آمریکا به‌تبع افزایش قابلیت‌های نرم‌افزاری جمهوری اسلامی در منطقه و جهان) باعث گردیده که آمریکا به‌زعم خود تلاش نماید از تمامی امکانات خود برای کاهش قدرت و نفوذ ایران بهره‌برداری نماید که به خواست خدا تاکنون قرین موفقیت نبوده و جواب معکوس داده است.

هم‌چنین آمریکا به تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پرداخت و سعی کرد با ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی را منزوی سازد. باین‌حال علی‌رغم آنکه ایران به‌طور مستمر با تحریم‌ها و اقدام‌های قهرآمیز آمریکا مواجه بوده است، نه‌تنها در صحنه بین‌المللی منزوی نشده، بلکه با گرایش به کشورهای جنوب شرقی آسیا کشورهای مشترک‌المنافع، خاورمیانه و اتحادیه‌ی اروپا، سعی کرده قطع وابستگی به ایالات‌متحده‌ی آمریکا را نیز فراهم آورد. بر این اساس علاوه بر مقاومت و ایستادگی مردم ایران، که مهم‌ترین دلیل بر بی‌حاصل بودن تحریم‌ها به شمار می‌آید، اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ایران، نادیده انگاشتن تحریم‌ها از سوی متحدان و رقبای آمریکا، ضرر مالی بخش‌های اقتصادی آمریکا از عدم رابطه با ایران و از همه مهم‌تر بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی ایران به تحریم‌های اعمال‌شده از سوی ایالات‌متحده، تا حد زیادی موجب از میان رفتن اثربخشی تحریم‌ها شده است.



قطع رابطه با آمریکا نه تنها موجب انزوای بین‌المللی و مهار انقلاب اسلامی ایران نشده است، بلکه دستاوردهای بزرگی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشته است. نخستین دستاورد، استقلال و عدم وابستگی اقتصادی به ایالات متحده است که وضعیت حاضر را در موقعیت معکوس با اوضاع پیش از انقلاب قرار داده است. دومین دست‌آورد مهمی که از عدم رابطه با ایالات متحدهی آمریکا نصیب ایرانیان شد، اتکا به خود و ساخت بسیاری از اقلام مصرفی در داخل کشور بود که پیش از آن خارج وارد می‌شد. در مواقع محاصره اقتصادی و تحریم‌های متعدد، ملت ایران را مستعد و مبتکر ساخت و از قدرت‌های جهانی بی‌نیاز کرد.

صدور قطع‌نامه اخیر شورای امنیت در ۲۰ خردادماه سال جاری به دلایلی چون، غیر اجماعی بودن و نیز حاکم بودن دیدگاه اسرائیلی بر آن، غرب را با هزینه‌های بسیاری روبرو ساخت. از جمله آن‌که این قطع‌نامه در شرایطی صادر شد که «بیانیه تهران» بر روی میز ایران قرار داشت. بیانیه‌ای که در ابتدا با استقبال غربی‌ها مواجه شده بود؛ بنابراین صدور تحریم‌های جدید غرب، گزینه «مبادله سوخت» را به مثابه تنها گزینه روی میز غرب از بین برد نموده و این مسئله خسارتی بزرگ را برای غرب رقم زد. از سوی دیگر بسیاری از کارشناسان معتقدند این قطع‌نامه هیچ کارکرد مفیدی ندارد. چراکه به دلیل اجماعی نبودنش کارکرد عملیات روانی و اطلاع‌رسانی ندارد، به دلیل محتوای ضعیفش کارکرد مجازات ندارد.

در حقیقت صدور این قطع‌نامه فرصت ذی‌قیمتی را در اختیار جمهوری اسلامی نهاد تا بار دیگر با مخاطب ساختن افکار عمومی دنیا بر طبل رسوایی دولت‌های استکباری بدمد. حاصل آن‌که در واکنش‌های ایران پیام‌های بسیاری به دنیا عرضه شد. از آن جمله؛ بی‌اعتبار اعلام کردن شورای امنیت سازمان ملل متحد، عدم همراهی جامعه جهانی با اراده برخی قدرت‌ها که در بیانیه جنبش عدم تعهد به نمایندگی از دوسوم کشورهای جهان مشهود شد، شروع دوران جدیدی از مناسبات جهانی برای تأمین حقوق ملت‌ها و درنهایت پایان هژمون‌گرایی آمریکا بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

در مسیر تولد و رشد هر پدیده‌ای، ممکن است آسیب‌ها و تهدیداتی بروز کند که از تحقق یا استمرار آن جلوگیری نماید؛ از این رو اگر پدیده‌ای بخواهد ایجاد گردد یا دوام پیدا کند، باید علاوه بر وجود مقتضی، مانع یا موانعی وجود نداشته باشد. موانع همان آسیب‌ها و تهدیداتی هستند که



اگر زودده نشوند، ادامه حیات آن پدیده را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌سازند. انقلاب، نظام و جامعه اسلامی هم اگر به آسیب‌زدایی و تهدیدات توجه کافی نکند، این عوامل، حرکت تکاملی و رو به توسعه آن را سد می‌کنند و تحقق اهداف آن را به تأخیر انداخته، یا ناممکن می‌سازند؛ بنابراین از این بحث می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت دولت‌مردان یک کشور می‌باید به تعداد اهدافی که هر جامعه و حکومت دنبال می‌کند باید قادر باشند آسیب‌ها و تهدیدات را پیش‌بینی و با آنها به مقابله بپردازند.

ب- پیشنهادها:

محورهای پاد استراتژی راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مهار آسیب‌های احتمالی گزینه تحریم به شرح زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱. مدیریت مطلوب صندوق توسعه ملی (صندوق ذخیره ارزی) و هزینه شدن منابع ارزی در طرح‌های زیربنایی و استراتژیک به جای واردات کالاهای مصرفی باهدف حداکثر سازی بهره‌وری بهینه از ذخایر پولی باهدف مقابله با آسیب‌های گسترش احتمالی تحریم‌های تجاری، کاهش منابع ارزی؛
۲. تقویت سایبر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به هوشمند سازی جامعه برای مقابله با جنگ رسانه‌ای امریکا مبنی بر تعمیق دامنه تحریم‌ها و حداقل سازی تبعات ایجاد جو روانی در مدیریت کلان کشور؛
۳. لحاظ کردن دورنمای گسترش عمق و دامنه تحریم‌ها در تدوین و تصویب بودجه‌های سنواتی با توجه به احتمال گسترش تحریم انرژی (محدودیت و یا ممنوعیت صادرات نفت و گاز ایران) و آسیب‌پذیری اقتصاد کلان کشور با توجه به حاکمیت نسبی صادرات تک‌محصولی در موازنه بازرگانی جمهوری اسلامی ایران؛
۴. واکاوی آسیب‌های قطع واردات بنزین از رویکرد امنیت ملی و هوشیاری و امکان‌سنجی متولیان امر نسبت به وقوع برخی ناامنی‌های اجتماعی مانند تنش‌های صنفی.
۵. آسیب‌شناسی بحران اقتصاد جهانی از رویکرد امنیت ملی با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود بحران اقتصاد جهانی در کوتاه‌مدت حل نشود، شایسته است کارگزاران نظام نسبت به آسیب‌شناسی پیامدهای این بحران مانند کاهش قیمت جهانی نفت و تأثیر آن بر عملیاتی شدن منابع مالی ردیف‌های بودجه‌ای مصوب، از رویکرد امنیت ملی برخوردار کنند؛ به‌ویژه اینکه بخش مهم منابع مالی بودجه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی از درآمدهای صادراتی نفت، گاز و محصول پتروشیمی به دست می‌آید و تداوم کاهش قیمت انرژی می‌تواند بستر کسری بودجه صادرات، افزایش واردات و تهدید ثبات امنیتی سرمایه‌گذاری در بورس منجر شود.



فهرست منابع

- آشوری، داریوش، ۱۳۸۵، "دانش‌نامه سیاسی"، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات مروارید.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۵، "تهدید اجتماعی شده، رویکردی تازه در تهدید سیاسی"، فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره بیست و هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- بری جانیان، ماری، ۱۳۷۳، "فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی"، ویرایش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهمن، شعیب، ۱۳۸۹، "انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران"، چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- بنیانیان، حسن "مدلی بر آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی" آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات).
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، "بصیرت پاسداری"، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.
- روشندل، جلیل، ۱۳۸۷، "امنیت ملی و نظام بین‌المللی"، تهران، انتشارات سمت.
- ره‌پیک، سیامک، ۱۳۸۸، "تهدیدات قدرت ملی"، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عمید، حسن "فرهنگ عمید"، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷، "نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران"، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- هزارجریبی، جعفر. بلندیان، غلام‌حسین، ۱۳۸۵، "درآمدی بر مفهوم شناسی آسیب‌شناسی امنیتی"، فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره بیست و هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

